WWW.INN.IR
میلاد امام حسن مجتبی (ع) مبارکباد

ایران ورزشی

۲۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران ■ سال بیست و چهارم ■ چهارشنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۰ ■ Apr 28-2021 ■ ۱۵ رمضان ۱۴۴۲ ■ شماره ۶۷۴۷

دعوت به تمرین با نظر مجیدی یا باشگاه؟

عقب‌نشینی استقلال در مورد دانشگر

تماشاگران رأی دادند

علیپور بهترین بازیکن ماریتیمو

۲

دنیس به دنبال صعود

اکرت – تیم ملی فعلاً منتفی است

۲

سازمان لیگ تابع قانون است اما برنامه‌ای برای قرنطینه ندارد!

پرسپولیس یک هفته کجا اسکان می‌یابد؟

۷

راهی که در قهرمانی آسیا باز شد

فرار از تله انتخابی تیم ملی کشتی آزاد

۴

ناکامی محض اپه و فلوره و انتظار بیشتر آقای رئیس

از چه کسی ناراضی هستید؟

۴

سلطانی: خوب نیست که به جز لک همه می‌خواهند گل بزنند

۷

پوچتینو در رویای فینالی دیگر:

من هنرپیشه نیستم

امباپه و نیمار جزو ۵ بازیکن برتر دنیا هستند. گواردیولا هم به نظر من بهترین سرمربی دنیاست

پاری‌سن‌ژرمن - منچسترسیتی
ساعت ۲۳:۳۰

در آرزوی قهرمانی اول

۵

یک رکورد جدید: **ناگلسمان گران‌ترین مربی تاریخ!**

آزمون: فقط قهرمانی زنیت، آقای گلی من زیاد مهم نیست

بحرینی‌ها ۳۰ درصد ما هم نیستند

پیشنهاد سایت روسی به زنیت

مورینیورا جانشین سماک کنید!

دنبال تصویری از موفقیت با رویا و واقعیت

این اسکوچیچ کم است

سرمقاله
فرشاد کاس‌نژاد ■ @Farshadcasnejad

آنچه دراگان اسکوچیچ برای موفقیت در مسیر جام جهانی تصویر می‌کند، کم است، تصویر کاملی نیست، زوایای جذاب ندارد. او کم می‌گوید، به این معنا که تصویری از ایده و مسیر و موفقیت نمی‌سازد. این تصویر برای پروژه صعود به جام جهانی باید غنی‌تر باشد، حتی در حرف باید قوی و غنی باشد.

دراگان اسکوچیچ شبیه یک مربی است که امیدوار است، که می‌خواهد موفق باشد اما انگار کوتاه آمده و کم ایده است و این برای تیم ملی خبر خوشی نیست. مصاحبه‌های او از ایده‌های او خبر نمی‌دهند.

مهم‌ترین حرف اسکوچیچ در آخرین مصاحبه‌اش وامی است از یک مربی دیگر: من دوست دارم که نقد شوم و کسانی ایده و نظر بدهند.

بعد از بازی با بوسنی مربی سابق یوگسلاوی و مربی سابق ژاپن با من ۴۵ دقیقه صحبت کردند. به من گفتند که یک توصیه به تو می‌کنیم. وقتی سرمربی تیم ملی هستی هیچ وقت نمی‌توانی همه را راضی کنی و باید راه خودت را بروی. من هم سعی کردم به توصیه‌شان عمل کنم.

اما نمی‌دانیم اسکوچیچ به این توصیه چقدر عمل کرده است. فارغ از این، نکته مهم‌تری مطرح است؛ اینکه برای رفتن به راه خود، باید راه را شناخت، برایش ایده‌هایی داشت و ایده‌ها نیز باید از دل فلسفه‌ای روشن و مطمئن بیرون آمده باشند. مربیانی داشته‌ایم که راه خودشان را رفته‌اند و آن راه پیدا بود که از دل چه فلسفه‌ای انتخاب می‌شد.

اسکوچیچ هنوز تصویر یک مربی را که می‌خواهد راه خود را در تیم ملی برود، درباره خود نساخته است. او اولین و آخرین بار که در فوتبال ایران راهی را رفت که انتخابش کرده بود و پشتش ایده و فکر بود و حاصلش اثرگذاری بود، تجربه‌ای است که در ملوان از او به یاد داریم. یک مربی با این کارنامه نمی‌تواند ادعای رفتن به راه خود را محکم به زبان بیاورد و به همین دلیل ایده و ادعای او برای تیم ملی کم است.

به اسکوچیچ امیدواریم چون او می‌تواند در کار اثرگذارتر از کلام باشد. اما منتقدان اسکوچیچ حق دارند این را باور نکنند.

اسکوچیچ در مصاحبه‌هایش تیم ملی را تهییج نمی‌کند. مصاحبه‌هایش هنوز جملاتی محکم درباره ساختن یک تیم موفق را ندارند.

این البته دلایل گوناگونی هم دارد. او هنوز به اندازه کافی با تیمش زندگی نکرده است و مهم‌تر اینکه هنوز در یک جایگاه جذاب و مهم در مربیگری نیز زندگی نکرده است.

همه این حرف‌ها اما به معنای قدم به عقب برداشتن یا ذره‌ای ناامیدی در راه صعود نیست. مسأله این است که اسکوچیچ باید در فاصله نزدیک به بازی‌های سرنوشت‌ساز تیم ملی در راه جام جهانی، در مصاحبه‌هایش نیز مربی بهتری باشد. یک مربی که این عبارت را محکم‌تر بگوید: «بازی‌ها هر جایی که برگزار شود، آنها راهی جز مواجهه با ما ندارند.»

بازی‌های لیگ قهرمانان آسیا اسکوچیچ را امیدوار کرده است. تشخیص او لابد با درخشش چند بازیکن در لیگ قهرمانان آسیا - مثالش مهدی قایدی - این است که می‌تواند تیم شادابی بسازد. پیش‌تر چراغ را در اروپا مهدی طارمی و دیگران روشن کرده‌اند. اما اسکوچیچ باید ایده‌هایش را در بازی گرفتن از ستاره‌هایش تمرین کند.

چیزی به بازی‌ها نمانده است و اسکوچیچ باید با رویاها و واقعیت‌ها تصویر موفقیت را بسازد.

مربی پدیده آلمانی با گرانترین انتقال تاریخ سهم بایرن شد

ناگلسمان: فقط به خاطر بایرن حاضر به ترک لایپزیگ بودم

سرمقاله
آرمن ساروخانیان ■

بایرن مونیخ فصل گذشته با اقتداری بی‌مانند که نقطه اوجش برد ۸ بر ۲ مقابل بارسلونا بود به قهرمانی اروپا رسید و هواداران امیدوار شدند که با هانسی فلیک دورانی درخشان و طولانی را سپری کنند، ولی این مربی موفق که در آستانه قهرمانی بوندس‌لیگاست به تازگی اعلام کرد که به دنبال جدایی است و باشگاه را با چالش پیدا کردن سرمربی جدید روبرو کرد. مهم‌ترین دلیل جدایی فلیک اختلافش با صالح حمیدزیچ، مدیر ورزشی باشگاه بود و ترجیح داد بعد از جام ملت‌های اروپا جایگزین یوآخیم لوو در تیم ملی آلمان شود. بایرن اما موفق شد از این تهدید یک فرصت بسازد و یولیان ناگلسمان، پدیده مربیگری آلمان را جانشین فلیک کند. ناگلسمان متولد ایالت باواریاست و خانواده‌اش هنوز نزدیک شهر مونیخ زندگی می‌کنند. او در ۲۸ سالگی به عنوان سرمربی هوفنهایم منصوب شد و توانست این تیم را از سقوط نجات دهد. او در سال ۲۰۱۹ با قراردادی چهار ساله روی نیمکت لایپزیگ نشست و فصل گذشته با این تیم به نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا رسید. این اتفاق وقتی روی داد که او ۳۳ ساله بود و توانست رکورد دشان که در ۳۵ سالگی به جوانترین سرمربی حاضر در این مرحله تبدیل شده بود را بشکند. ناگلسمان تنها ۲۸ سال داشت که در اکتبر ۲۰۱۵ به عنوان سرمربی هوفنهایم منصوب شد و به جای هوب استیونز کهنه‌کار روی نیمکت این تیم نشست. او توانست این تیم را از سقوط نجات دهد و علاوه بر آن به جوانترین سرمربی دائم تاریخ تبدیل شد که هدایت تیمی را در بوندس‌لیگا بر عهده داشته است. او این کار را با حذف کردن اتلتیکو مادرید و دیگو سیمئونه‌ای انجام داد که اولین بازی خود را برای یک تیم فوتبال بزرگسالان در سالی که ناگلسمان به دنیا آمد، انجام داده است. همچنین لازم به یادآوری است که ناگلسمان یک ماه از لیونل مسی هم کوچکتر است.

لایپزیگ با هدایت ناگلسمان در فصل جاری بوندس‌لیگا رقابت نزدیکی با بایرن بر سر قهرمانی داشت و انتظار می‌رود که فصل را در رده دوم به پایان برساند. او همچنین جمعه در نیمه‌نهایی جام حذفی با دربی‌رمن بازی دارد و مصمم است که پیش از ترک لایپزیگ این باشگاه را به اولین قهرمانی مهم تاریخش برساند. البته جذب ناگلسمان برای بایرن کار راحتی نبود و لایپزیگ خواهان ۲۵ میلیون یورو برای فسخ قرارداد شد. این مربی جوان که مورد توجه باشگاه‌های مهم اروپایی از جمله تاتنهام قرار داشت، قراردادی پنج ساله بسته و سالانه ۸ میلیون یورو هم دستمزد می‌گیرد. ناگلسمان بعد از این انتقال جنجالی که او را به گرانترین مربی جهان تبدیل می‌کند، گفت: «قصد نداشتم بعد از دو سال از لایپزیگ جدا شوم و جدایی هانسی فلیک از بایرن مونیخ نقش مهمی در رخ دادن این اتفاق داشت. از باشگاه‌های دیگر نیز پیشنهاداتی وجود داشت، اما من به اولی مینتزلف (رئیس باشگاه لایپزیگ) گفتم که قرار دادم را فقط در صورت حضور در بایرن مونیخ فسخ می‌کنم.» سرمربی فصل آینده بایرن اضافه کرد: «رقم این انتقال روی عملکرد من تأثیری نمی‌گذارد و فکر می‌کنم هیچ کس ارزش پرداخت چنین عددی را ندارد. من مبلغ را تعیین نکردم و این موضوع توافقی بین دو باشگاه بود. من انگیزه بالایی دارم تا در بهترین عملکردم ظاهر شوم.»

ناگلسمان گفت: «بعد از بازی با اشتوتگارت اولین مکالمه با اولی مینتزلف و همچنین با باشگاه بایرن انجام شد و روز یکشنبه من و بایرن جزئیات نهایی را نیز تعیین کردیم. البته ما در مورد جزئیات خیلی صحبت نکردیم زیرا وقت نداشتیم. من می‌دانم در بایرن چه انتظاراتی از من وجود دارد و مطمئن هستم که می‌توانم این کار را انجام دهم. من از اول جولای کارم را شروع می‌کنم. خیلی زود است که خداحافظی کرده و در مورد خاطراتم صحبت کنم، زیرا هنوز در لایپزیگ کارم تمام نشده است. ممکن است مأموریت من در تابستان تمام شود، اما من تمام تلاش خود را تا آن زمان انجام می‌دهم. وجدان من راحت است و بازیکنان هم بابت این جدایی عصبانی نیستند.»

واکنش مدیران بایرن

هربرت هاینر، یکی از مدیران بایرن، درباره این توافق گفت: «ناگلسمان نماینده مربیان نسل جدید است. علی‌رغم سن کم و سابقه چشمگیری دارد. ما متقاعد شده‌ایم که با ناگلسمان به موفقیت‌های بزرگ چند سال اخیر ادامه خواهیم داد. می‌خواهم به نمایندگی از بایرن صمیمانه از هانسی فلیک تشکر کنم. او هدایت تیم ما را در یک مقطع دشوار در سال ۲۰۱۹ به دست گرفت و سپس شش عنوان قهرمانی به دست آورد. هفتمین عنوان هم به زودی به دست می‌آید. او همیشه جایگاهی در کتاب‌های تاریخ بایرن خواهد داشت. ما برای او بهترین‌ها را برای آینده آرزو می‌کنیم.» الیور کان، نایب رئیس آینده بایرن نیز گفت: «قرارداد پنج ساله یولیان نشان می‌دهد که چقدر او با بایرن نزدیک است. من مطمئنم که همراه با ناگلسمان و در کنار هم آینده بایرن را به شکلی بسیار موفق شکل خواهیم داد. از هانسی فلیک هم تشکر می‌کنم. او با ارائه فوتبالی فوق‌العاده بایرن را به کسب موفقیت‌های بزرگی هدایت کرد. اکنون ما خواست او برای ترک بایرن پیش از پایان قراردادش را برآورده کرده‌ایم. بهترین آرزوها برای تو هانسی!»

صالح حمیدزیچ هم گفت: «گفت‌وگوها با یولیان بسیار مشارکتی، متقابل و بسیار سازنده بود. با او بسیار سرگرم خواهیم شد، من از این اطمینان دارم. می‌خواهم از هانسی فلیک تشکر کنم. بعد از اینکه او یک و نیم سال پیش سمت سرمربیگری را به دست گرفت، ما پیروزی‌ها و عناوین زیادی را جشن گرفتیم، سه گانه در سال ۲۰۲۰ برجسته‌ترین شان بود. این موفقیت‌ها به نام او نوشته شده‌اند و به نام او باقی خواهند ماند. برای او بهترین آرزوها را در مسیر آینده‌اش دارم.»

دعوت به تمرین با نظر مجیدی یا باشگاه؟

عقب‌نشینی استقلال در مورد دانشگر

محمد دانشگر که با تصمیم فرهاد مجیدی سرمربی تیم استقلال همچنان از تیم دور است و در بلاتکلیفی محض به سر می‌برد، در چند وقت اخیر توسط وکلای خود مکاتبات رسمی با باشگاه استقلال را شروع کرده است. گرچه در یک ماه اخیر احمد مددی مدیرعامل باشگاه از جوابگویی طفره رفته است ولی در تازه‌ترین مکاتبات اینطور به نظر می‌رسد که استقلال از موضع خود عقب‌نشینی کرده و پاسخش به دانشگر این است که هیچ تصمیم رسمی بر منع تمرین صادر نشده است.

توصیه باشگاه استقلال این است که محمد دانشگر به تمرین همراه سایر بازیکنان استقلال که به سفر لیگ قهرمانان نرفته‌اند، بپردازد. یا این مکاتبات دور از نظر فرهاد مجیدی و برای بازگرداندن دانشگر صورت گرفته یا اینکه مجیدی از موضع خود کوتاه آمده و ضعف دفاعی تیمش را بیشتر به چشم دیده است.

آخرین واکنش رسانه‌ای دانشگر به موضوع کنار ماندنش از استقلال این بود که گفت: هرگونه مطلب تحت عنوان واکنش دانشگر به خط خوردن از لیست استقلال یا نقل قول از من در خصوص سفر به عربستان صحت ندارد. دقیقا یک ماه است با هیچ رسانه‌ای اعم از تصویری، شنیداری، نوشتاری و... مصاحبه‌ای انجام ندادم و اگر هر نقل قولی از من دیدید صحبت من نیست.

پیش‌تر فراز کمالوند مربی استقلال گفته بود: درباره دانشگر تصمیمی خواهیم گرفت که به سود باشگاه و این بازیکن باشد.

دانشگر که به دلیل درگیری با فرشید اسماعیلی سپس درگیری با بهزاد غلامپور کنار گذاشته شد، بارها با واکنش فرشید اسماعیلی مواجه شده و او کوشش کرده تا راه بازگشت دانشگر به تیم باز شود. اسماعیلی در بازی رفت لیگ قهرمانان آسیا مقابل الاهلی هنگام شادی پس از گل پیراهن دانشگر را در دست گرفت تا از بازگشت او حمایت کند.

به بهانه نیمه نهایی لیگ قهرمانان اروپا

هواداران سیتی و پاریس را به رسمیت بشناسید!

فوتبال ژورنال
رسول مجیدی ■ @Rasoulmajidi

مهم‌ترین بازی امشب فوتبال جهان در پارک دو پرانس پاریس برگزار می‌شود. بین تیم‌های پاری سن ژرمن و منچسترسیتی. ۲ تیمی که سال‌هاست سودای قهرمانی در لیگ قهرمانان دارند و به آن نمی‌رسند. پاریسی‌ها فصل پیش با توخل آلمانی به فینال هم رسیدند اما عاقبت مغلوب بایرن قدرتمند شدند و حالا این بار با به خدمت گرفتن پوچتینو (مربی‌ای که خودش ۲ سال پیش با تاتنهام به فینال رسید و باخت) و حذف آلمانی‌ها در مرحله قبل، می‌خواهند دوباره طعم حضور در فینال و این بار قهرمانی را بچشند.

در آنسو پپ گواردیولا موفق شد بالاخره طلسم شکنی کند و با تیم سیتی به مرحله نیمه نهایی لیگ قهرمانان برسد. سابق برایان او همیشه در ایستگاه ۴/۱ نهایی با این تیم از مسابقات حذف می‌شد. پپ البته برخلاف پوچتینو قبلاً به فینال لیگ قهرمانان رسیده و اتفاقاً ۲ بار قهرمان هم شده (هر ۲ با بارسلونا و آخری در سال ۲۰۱۱). با این همه ۱۰ سال از آخرین قهرمانی یکی از برترین مربیان تاریخ فوتبال جهان می‌گذرد. او در این سال‌ها جام‌های رنگارنگی را در فوتبال آلمان و انگلیس گرفته اما فتح لیگ قهرمانان برایش میسر نشده تا منتقدینش همیشه این ماجرا را با سرش بکوبند.

قاعدتاً بازی امشب بین ۲ تیم که در دهه گذشته سرمایه‌گذاری زیادی کرده‌اند تا لیگ قهرمانان را برای خود کنند حسابی جذاب خواهد بود اما چیزی که در اینجا می‌خواهم درباره‌اش بنویسم درباره طرفداران این ۲ تیم است.

سال‌هاست که طرفداران سیتی و پاری سن‌ژرمن از سوی هواداران قدیمی به رسمیت شناخته نمی‌شوند. به حساب نمی‌آیند. احترام ندارند. قدیمی‌ها می‌گویند این ۲ تیم تا دو دهه پیش جایی در فوتبال دنیا نداشتند و تاریخ و فلسفه ندارند. طرفداران‌شان را مشتی بچه می‌دانند که هیچ‌وقت شکوه و عظمت تیم‌های ریشه‌دار را ندیده‌اند. آنها را تازه به دوران رسیده می‌دانند و مسخره می‌کنند اما واقعیت این است که مگر اکثر طرفداران منچستریونایتد در زمان سر الکس فرگوسن کبیر عاشق این باشگاه نشده‌اند؟ در اواخر دهه ۹۰ و اوایل قرن بیست و یکم که منچستر مدام قهرمان می‌شد و افتخارات زیادی کسب می‌کرد؟ یا مگر میلانی‌های قدیمی در اواخر دهه ۸۰ که تیم‌شان در اروپا رقیب نداشت میلانی نشدند؟ رئالی‌ها چه؟ لیورپولی‌های قدیمی چه؟

این حق نسل جدید است که طرفدار تیمی شود که در حال بزرگی‌ست. چه کسی می‌گوید سیتی و پاری سن ژرمن این سال‌ها ضعیف بوده‌اند. گناه نسلی که می‌بیند منچسترسیتی در لیگ جزیره رقیب ندارد چیست؟ مگر اکثر هواداران چلسی در بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ که آبرامو ویچ روی باشگاه سرمایه‌گذاری کرد و مورینیو را به لندن آورد طرفدار تیم‌شان نشدند؟ تا قبل از این چلسی به زحمت می‌توانست در جمع ۴ تیم قرار بگیرد و بعد به یکباره تبدیل شد به یکی از مدعیان در جه یک انگلیس و اروپا. البته همه این انتقاداتی که این روزها به هواداران پی‌اس‌جی و سیتی می‌شود به هواداران چلسی هم می‌شد اما حالا با گذشت چیزی نزدیک به دو دهه، بیشتر قدیمی‌ها هواداران چلسی را پذیرفته‌اند. شاید بهتر باشد تاریخ تکرار نشود و این بار زودتر هواداران جهانی منچسترسیتی و پی‌اس‌جی به رسمیت شناخته شوند. نسل جدید چرا باید طرفدار آرسنالی شود که در آرزوی لیگ قهرمانان می‌سوزد اما زمانی در لیگ برتر مدعی اول بوده؟ آنها قاعدتاً ترجیح می‌دهند طرفدار تیمی شوند که الان مدعی لیگ برتر است.

ضمیمه رایگان
۱۶ صفحه

ویژه‌نامه آخر هفته ایران ورزشی را هر پنجشنبه از روزنامه‌فروشی‌ها بخواهید